



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم دامغان - 19 / آبان / 1385

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على آله الأطيبين الأزهريين المنتجبين سيما بقية الله في الأرضين.

من خود را در جمع شما برادران و خواهران عزیز دامغانی، در جمع يك مجموعه ی آشنا و سرشار از محبت و لطف مشاهده می کنم و خدا را سپاسگزارم. شهر کهن و زیبای شما یکی از مراکز عمده ی افتخارات این استان است. آنچه که درباره ی گذشته ی این شهر و پرورش ادیبان و شاعران و دانشمندان و شخصیت‌های برجسته در کتابها نوشته و در خاطره ی تاریخ ثبت کرده اند، برای همه معلوم است. آنچه ما در زمان خودمان مشاهده کردیم، دامغان را مرکز مردم مؤمن، صمیمی، با محبت و قانع و صبور و در میدانهای انقلاب فعال دیدیم؛ چه در دوران دفاع مقدس و چه قبل از آن، که من دیروز در جمع خانواده های معظم شهیدان عرض کردم: در دوران جنگ و دفاع مقدس، ستادهای پشتیبانی جنگ و ستادهای مهندسی وابسته ی به جهاد سازندگی - که در استان يك مجموعه ی بسیار فعال و در بین استانهای کشور کم نظیر بودند - مرکزیت و فرماندهی آن با دامغانیهای فعال و مجاهد و مبارز و فداکار بود. در بین شهدای نام آور جمهوری اسلامی ایران، شهید شاهچراغی - که نه فقط متعلق به مردم دامغان، بلکه متعلق به ملت ایران است - یکی از پرچمهای افتخار این مردم عزیز است. شهدای بزرگوار دیگری هم که ما حالا در گلزار شهدا و مزارهای مبارک آنها را زیارت کردیم، هر کدام چلچراغی از معنویت و شکوه و افتخار در فضای این شهر کهن و با سابقه ی تاریخی روشن کرده اند. اینها نشانه های عزت و شجاعت و غیرت و ایمان شما مرد و زن مؤمن و صمیمی اند.

من عرض بکنم از تدین و ریشه های ایمانی مردم این شهر که بعد از قلع و قمع روحانیت و اهل دین در دوران رضاخان قلدر، یکی از حوزه های علمیه فعال در منطقه ی شرق کشور، حوزه ی علمیه ی دامغان بود که مرحوم آقای ترابی (رضوان الله علیه) - عموی امام جمعه ی محترم فعلی - در این شهر بساط درس و علم و معرفت را گسترده از شهرهای مختلف، از مازندران، سمنان و بخشهای مختلف، طالبان عشق و علم و مشتاقان حقیقت به دامغان می آمدند و در سه مدرسه ی دامغان تحصیل علم می کردند. امروز بعضی از متخرجان مدارس علمی آن روز دامغان، در این استان و بیرون از آن، جزو چهره های برجسته و معروفند. يك حوزه ی علمیه در يك شهر، وقتی پرورش پیدا می کند و کارآمد می شود، جدای از فضای معنوی و دینی مردم نمی شود آن را تحلیل کرد. وجود يك حوزه ی با برکت، به معنای حضور دینی و ایمانی عمیق و اصیل مردم آن منطقه است.

در مشهد هم مرحوم آية الله دامغانی از مدرسان معروف مشهد و شخصیت برجسته ای در زمان جوانی ما بود. در این دوران اخیر هم که مرد صاحب‌دل سالک خدایپرست - مرحوم آقای معلم (رضوان الله علیه) - در این شهر زندگی می کرد. هر وقت من در تهران این مرد عزیز و شریف را - که به دیدار ما می آمد - زیارت می کردم، یاد زیباییهای معنوی دامغان در ذهنم زنده می شد.

امروز من خوشحالم که در میان مردمی، از مرد و زن مهربان و مؤمن و صمیمی، قرار گرفته ام که این سوابق زیبا و شوق آفرین را از آنها در ذهن داشته ام و دارم.

يك مسئله، مسئله ی آبادانی و سازندگی دامغان است. ما نقاط مهم را در این سفرها به دولت‌های محترم تذکر می دهیم. شهر شما شهر با استعدادی است؛ مشکلاتی هم با آن همراه است و مردم با آنها دست و پنجه نرم می کنند. سؤالاتی که دوستان ما قبل از سفر از مردم شهر کردند، به ما نشان داد که مشکل آب، مشکل بیکاری، مسئله ی اشتغال، مشکل بهداشت و درمان و برخی مشکلات دیگر، برای مردم این شهر جدی است. آنچه که من می توانم عرض



بکنم، این است که دولت محترم و رئیس جمهور محترم، با همه ی توان، در حد ظرفیت کشور، در صدد رفع مشکلات است. یقیناً دولت محترم طی برنامه ریزیهای کوتاه مدت و بلند مدت این مشکلات را مورد توجه قرار خواهد داد. این مشکلات باید بتدریج حل شود. با همت خود شما مردم، با همراهی و همکاری شما مردم و با حضور جوانان، بخصوص جوانان دانشجو - که در این استان، از جمله در این شهر دانشجویان زیادی حضور دارند - با استفاده از تخصصها و معرفتشان، بتوانند در باز کردن گرههای گوناگون همکاری کنند و شریک باشند.

دامغان امروز با دامغان سی سال قبل که من دیدم، از زمین تا آسمان متفاوت است؛ شاهرود هم همین طور؛ سمنان هم همین طور؛ و بقیه ی شهرهای کشور و بخشها و روستاهای کشور هم همین طور.

یک روزی بود که مسئولان در سطح بالا، در تهران اساسی ترین هدفشان، پُر کردن کیسه های خود و راضی کردن اربابان خارجی و امریکایی و صهیونیستشان بود. خود را وظیفه مند نمی دانستند که مشکلات ملت و کشور را هدف خودشان قرار بدهند. اگر یک شهری یک عنصر با نفوذی در دستگاه حاکمه می داشت، به قدر نفوذ خود، برای شهر خود - آن هم غالباً برای منافع شخصی - امکانات دولتی را جلب می کرد. اگر شهری یک پارتی با نفوذ در دستگاههای تصمیم گیری نداشت، از همه چیز محروم می ماند. بسیاری از مردم ما و بسیاری از شهرهای ما در دوران طاغوت، قربانی این تبعیض و این نظام غلط و طاغوتی شدند. در دوران جمهوری اسلامی، مسئولان کشور تنها وظیفه ی خودشان را خدمت به مردم می دانند. من بارها تصریح کرده ام که مسئولان ما خدمتگزاران مردم و به تعبیر واضح و روشن، نوکران مردمند. مردم اقتدار عظیم ملی را به دست مسئولان سپرده اند تا آنان بتوانند هم از عزت و شرف و استقلال آنها، و هم از جایگاه علمی و فرهنگی و سیاسی آنها در سطح بین المللی دفاع کنند، و هم بتوانند امکانات کشور را به نفع آنها به کار بگیرند. کشور ما امکانات زیادی دارد. همین کویری که در همسایگی شماست، منبع برکاتی است. یقیناً یکی از کارهایی که دولت باید انجام دهد - البته کارهایی را شروع کرده اند؛ اما ضعیف است، باید تقویت شود - شناسایی این کویر و برکات آن است. به تعبیری، سفره ی گسترده ی نعمتی است که می توان از آن استفاده های بسیاری به سود مردم و برای آبادانی استانهای اطراف کویر کرد.

این دولت، دولت با نشاط، چابک، فعال، دلسوز، دلبسته ی به منافع و خواسته های مردمی و وسط میدان و صحنه است. هر مقداری که امکانات دولت اقتضاء بکند، یقیناً عمل خواهد کرد.

البته ما در این سفر - در گزارشهای قبل و بعد سفر و آنچه که در اثنای سفر در مذاکره ی با مسئولان شنیدیم و می شنویم - نقاط اساسی تر و حساستر و لازمتر را شناسایی می کنیم و ان شاء الله خدای متعال کمک بکند تا بتوانیم با برنامه ریزی، این راههای درست را بپیماییم و روزبه روز بر بهتر شدن و بهبود زندگی شما مردم مؤمن و مردم پُرشور و محترم بیفزاییم.

مسئولان هر چه برای این ملت بکنند، حقیقتاً کم است. انسان مبهوت می ماند. من الان مادر شهیدان مؤمنی را زیارت کردم. سه جوان در راه خدا داده و یک پسر جانباز دارد و خودش سالخورده است؛ اما با وجود همه ی اینها از لحاظ روحی مثل کوه ایستاده است. دست اینها را باید بوسید؛ عظمت واقعی یعنی این. یک ملت وقتی یک چنین عظمتهای انسانی را در درون خود دارد، باید مطمئن باشد که به هر کار بزرگی همت بگمارد، از عهده ی آن برخواهد آمد.

آرمانهایی که ملت ایران تصویر کرده است، البته آرمانهای بلندی است؛ اما این آرمانها دست یافتنی است. پرچم عدالت اسلامی را برافراشتن، از آن دفاع کردن و در راه آن حرکت کردن، یک آرمانگرایی پوچ و بی نتیجه نیست، آنچنان که بعضی سعی می کنند این طور القاء کنند. این، عملی است.

درست است که امروز در دنیای بشر عدالت اجتماعی مظلوم است؛ درست است که امروز مدعیان حقوق بشر بی رحم ترین پامال کنندگان حقوق بشرند؛ شما ببینید الان در فلسطین چه دارد می گذرد؛ روزانه فلسطینیها قتل عام می



شوند. صهیونیستهای وحشی که ابهت به دست آمده ی نظامی در طول پنجاه سال را در جنگ سی و سه روزه ی لبنان از دست دادند - پنجاه سال تلاش کردند تا نشان بدهند که اسرائیل شکست ناپذیر است؛ اما این ابهت پنجاه ساله در سی و سه روز دود شد رفت هوا. يك گروه مجاهد مؤمن تهیدست از سلاحهای پیشرفته ی هوایی و غیره، توانست آن ارتش مغرور و سرکش را به ذلت بکشاند؛ تلفات بر آن وارد کند؛ او را در سطح دنیا مسخره کند - گویا می خواهند انتقام آن شکست و آن فضاخت را از فلسطینیهای بیچاره بگیرند. الان چندین روز است یا شاید چند هفته است که غزه مورد تهاجم دائمی صهیونیستهاست. و خود همین تهاجم بی امان و ظالمانه ی به غزه - که به ظاهر در ذیل يك قراردادی آنها را به دست فلسطینیها برگرداندند و حالا دارند این طور با آنها رفتار می کنند - باید نشان بدهد که آخر و عاقبت مذاکره ی با اسرائیل غاصب و صهیونیستها چیست. بعضیها می گویند با مذاکره، مشکلاتمان را با صهیونیستها حل کنیم؛ بفرمایید این هم مذاکره! این ستم بزرگ امروز دارد انجام می گیرد؛ طرفداران حقوق بشر، مدعیان حقوق بشر، حضراتی که در هر نقطه ی دنیا سر چیز کوچکی دولتهایی را که مطیع آنها نیستند، به نقض حقوق بشر متهم می کنند - در اروپا و غرب - نشسته اند، دست روی دست هم گذاشته اند؛ فارغ البال و بی خیال دارند به این کشتار روزانه نگاه می کنند. اگر کسی يك گوسفند را هم در یکی از خیابانهای يك پایتخت اروپایی سر ببرد، این قدر فراغت بال به وجود نخواهد آمد. برای کشتن دهها و صدها انسان و برای نابود شدن کودکان، زنان و مردان بی دفاع، کسانی که در هیچ کار مسلحانه ای شرکت نداشته اند و همین طور چشم بسته به قتل می رسند، ارزشی به قدر ریختن خون يك گوسفند ندارند؛ امروز وضع عدالت در دنیا این است.

بعضی که به این وضعیت نگاه می کنند، می گویند: شما نام عدالت اجتماعی را می آورید، مگر می شود؟! در داخل هم البته کسانی هستند که حاضرند برای منافع خود، پا روی منافع صدها و هزارها و میلیونها بگذارند؛ که می شنوید. بعضی سوءاستفاده کنندگان و مفسدان اقتصادی برایشان بیت المال و غیر بیت المال فرقی نمی کند؛ هر جا بتوانند دست می اندازند؛ حق هر کس ضایع شد، شد. اینها را که بعضی می بینند، می گویند: مگر می شود در کشور عدالت اجتماعی را مستقر کرد؟! من عرض می کنم: بله؛ همه ی آرمانهای این ملت و انقلاب - از جمله عدالت اجتماعی - را می شود با پشتیبانی این مردم مؤمن و غیور - که مثل کوه ایستاده اند - به نتیجه رساند. بیست سال قبل، آن روزی که ما درگیر دفاع مقدس بودیم و از میهنمان دفاع می کردیم، قدرتها ساده ترین سلاحها را هم حاضر نبودند به ما بفروشند؛ حتی به دو برابر قیمت هم نمی فروختند. سیل سلاحها و ابزارهای مدرن از اروپا و امریکا و شوروی سابق به سمت عراق و صدام جنایتکار روانه بود، آن وقت ما برای ساده ترین سلاحها - اگر نداشتیم - بایستی با هزار مشکل مواجه می شدیم تا شاید بتوانیم یا نتوانیم آن را تهیه کنیم. آن روز اگر کسی می گفت این ملت، این جوانان و این همتهای انقلابی و مؤمن، يك روز خواهد توانست این همه ابزارهای موشکی را در خلیج فارس یا در نقطه ی دیگری به عنوان آزمایش و رزمایش منفجر بکند، کسی باور می کرد؟ اما ملت ما توانست.

آن روزی که عربده های تهدیدآمیز قدرتهای معارض و استکباری از اطراف به سمت این ملت سرازیر می شد، تهدید می کردند و حتی بعضی از عناصر دولتهای دوست با عنوان خبر ویژه - ده سال قبل، هشت سال قبل، پنج سال قبل - به ما خبر می دادند که ما خبر داریم بناست به شما در فلان روز یا فلان ماه حمله کنند؛ قصدشان تهدید و ارباب و عقب نشاندن دولت جمهوری اسلامی از مواضع خود بود. آن روز شاید خیلی ها بودند که باور نمی کردند استکبار جهانی و در رأس آن امریکا، در همه ی سیاستهای معارض خود در مقابل ملت ایران و جمهوری اسلامی ایران، این جور شکست بخورد؛ در عراق سیاستش شکست بخورد؛ در فلسطین سیاستش شکست بخورد؛ در لبنان سیاستش به شکل مفتضحانه شکست بخورد؛ در افغانستان ناکام بماند و تهدیدهای او، تهدیدهای پوچ در سطح بین المللی قلمداد بشود. اما این کار شد.

آنچه علیه ملت ایران توطئه کردند، علیه خودشان تمام شد. همین دولت کنونی امریکا که هر وقت هر کدام از سران



این دولت - چه آن وزیر دفاعش، چه وزیر خارجه اش، چه خود بوش - حرفی علیه ملت ایران زدند، يك جمله ی تلخ تهدیدآمیز بر زبان آوردند که شاید ملت را بترسانند؛ اما هر چه گفتند، به عکس شد. بوش در قضیه ی انتخابات ریاست جمهوری، به ملت ایران پیغام داد که در انتخابات شرکت نکنید؛ اما مردم لج کردند و از همیشه ی دوران بیست و پنج، شش ساله، در انتخابات بیشتر شرکت کردند. در همین قضیه ی مسائل عراق و سیاستهای شکست خورده ی امریکا در عراق، در این انتخابات اخیر امریکا، معلوم شد که این سیاستها در خود واشنگتن هم شکست خورده است؛ این سیاستهای جنگ طلبانه در بین خود مردم امریکا و سیاستمداران امریکا هم شکست خورده است. این که در انتخابات کنگره، حزب وابسته ی به رئیس جمهور کنونی شکست خورد، این فقط به معنای يك حادثه ی داخلی امریکا نیست؛ بلکه به معنای شکست سیاستهای جنگ طلبانه و پرخاش جویانه ی رئیس جمهور کنونی امریکاست. این سیاستها در سطح دنیا شکست خورده است. از نظر امریکاییها، طرف اصلی این سیاستها ملت ایران بود؛ و معنایش این است که ملت ایران در این مرحله ی سیاسی به صورت بارز و در سطح بین المللی پیروز شده است. امروز خود بوش هم فهمیده که دیگر شکست خورده است؛ ظاهراً آخرین فرد از سیاستمداران امریکا که فهمید شکست خورده، خود بوش است! او هم امروز اعتراف می کند که در سیاستهای جنگ طلبانه ی خود شکست خورده است.

من به ملت ایران عرض می کنم: ملت عزیز ایران! شما مسلح و مجهز به ایمان و همت و استعداد و قابلیت انسانی هستید؛ این اساس ثروت این ملت با همت، با ایمان و با استعداد است. جوان ایرانی دارای قابلیت‌هایی است که از متوسط قابلیت‌های جوانان دنیا بالاتر است. متخصصان و کارشناسهای ما به من می گویند در هر کاری از کارهای فنی و علمی که ما نیرو گذاشتیم و متمرکز شدیم، توانستیم آن کار را به بهترین وجه انجام دهیم؛ به توفیق و حول و قوه ی الهی هم در مسائل فنی این طور است، هم در مسائل انسانی و اجتماعی، و هم در مسائل سیاسی. پشتوانه اش هم همین ایمان، وحدت و همبستگی شماس است. این ارتباط گرم و صمیمانه ی شما با مسئولان کشور است؛ این را نباید از دست داد. همت کار، همت تلاش و ایمان جوشنده ی شما مردم، شما را مثل کوه استوار کرده است. باید همین همت باقی بماند. ان شاءالله تمام آرمانهای انقلاب به نتیجه برسد، که از مهمترین آن رفع تبعیض، رفع تبعیض فردی، شهرستانی، استانی و منطقه ای در سرتاسر کشور است؛ و به کار گرفتن استعدادهای و ثروتهای طبیعی که امروز در اختیار بخشهای مختلف ملت ایران است؛ از جمله در اختیار شماس است. شما اینجا معدن دارید، امکانات کشاورزی دارید. البته از لحاظ آب مشکل دارید؛ اما تأمین آب محال نیست؛ تدابیری وجود دارد که می شود ان شاءالله این کار را کرد. از يك طرف این کویر است، از يك طرف زمینهای حاصلخیز است، و از يك طرف استعداد عظیم مردمی شماس است.

امیدواریم ان شاءالله خداوند متعال مسئولان را موفق کند که با کمک و همت خود شما، بتوانند روزبه روز بر بهبود زندگی شما مردم بیفزایند و به توفیق الهی مشکلات حل بشود، و ان شاءالله دعای حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) - به برکت ارواح طیبه ی شهدای عزیزمان - شامل حال شما و همه ی ملت ایران بشود. پروردگارا! به محمد و آل محمد فضل و رحمت و برکات خود را بر این مردم نازل کن. پروردگارا! روزبه روز بر توفیقات این ملت بزرگ بیفزای. پروردگارا! روزبه روز مسئولان را در خدمتگزاری به این ملت، علاقه مندتر و راغب تر بفرما. پروردگارا! نیت ما را در آنچه گفتیم و در آنچه شنیدیم، نیتهای خالص و مورد رضای خود قرار بده. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته